



## اسماء و صفات قرآن؛ راه‌های انس و نفوذ به کلام الهی

محمدعلی انصاری گفت: اسماء و صفات قرآن راه‌های انس و نفوذ به حضرت قرآن هستند و قرآن به این شیوه، دریچه‌های خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید.

محمدعلی انصاری گفت: اسماء و صفات قرآن راه‌های انس و نفوذ به حضرت قرآن هستند و قرآن به این شیوه، دریچه‌های خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید.

محمدعلی انصاری، مفسر قرآن کریم و صاحب تفسیر مشکاة به گزارش ایکننا از خراسان رضوی، محمدعلی انصاری، صاحب تفسیر مشکاة و مفسر قرآن، در نشست مجازی که امروز، ۲۴ فروردین ماه، با موضوع «راه‌های ارتباط با قرآن» برگزار شد، اظهار کرد: خداوند، اسماء و صفات خود را مجاری تقرب و نزدیکی انسان‌ها به حضرتش قرار داده است و در این باره در آیه ۱۸۰ سوره «اعراف» فرموده است: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ وَذُرُوا الدِّينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند رها کنید. زودا که به سزای آنچه انجام می‌دادند، کیفر خواهند یافت.»

وی ادامه داد: علمای اخلاق نیز در ابتدای کتاب‌های اخلاق آورده‌اند: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ؛ به اخلاق خداوند متخلق شوید». این تخلق که از طریق آشنایی با اسماء و صفات الهی حاصل می‌شود، بالاترین نقطه کمال است و به عبارت دیگر، بالاترین کمال متصور برای انسان، اتصاف به همین صفات الهی است. اینچنین مشخصه‌ای درباره کلام خداوند نیز صادق است، یعنی اسماء و صفات قرآن راه‌های انس و نفوذ به حضرت قرآن هستند و قرآن بدین شیوه، دریچه‌های خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید. البته باید توجه داشت که ارتباط با حضرت باری تعالی دوسویه است و خداوند زمانی رحمت، غفران و عنایات خود را متوجه انسان می‌کند که از این سو نیز توجهی صورت بپذیرد. این قاعده تعامل در آیات مختلفی از قرآن خاطرنشان شده است و خداوند در آیه ۱۵۲ سوره «بقره» فرموده است: «فَادْكُرُونِي أَذْكَرَكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپاس مرا به جای آرید و ناسپاسی ام نکنید.»

انصاری بیان کرد: درباره کلام الهی نیز چنین است. هر مقداری که انسان در وادی قرآن سعی و تلاش کند، قرآن نیز به او نزدیکتر می‌شود و سایه رحمتش را بر سر وی می‌افکند و دریچه‌های هدایت را بر قلب و جاننش می‌گشاید. انسان با قرآن، چهار نوع رابطه را می‌تواند برقرار کند که شامل قرائت، تلاوت، تدبر و تحفظ می‌شود. این موارد راه‌های انس با قرآن هستند و البته هر یک آداب و قواعد خاصی دارند که با رعایت آنها، لذت انس با قرآن در ذره ذره وجود انسان فزون‌تر می‌شود.

صاحب تفسیر مشکاة در خصوص اولین رابطه انسان با قرآن یعنی قرائت، گفت: همان‌طور که گفته شد، اولین ارتباط، خواندن این کتاب مستطاب است. خداوند در قسمتی از آیه ۲۰ سوره «مزل» فرموده است: «فَاقْرَأْ مَا تَبَيَّنَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ پس هرچه از قرآن میسر می‌شود، بخوانید.» آداب قرائت شامل ۶ نکته است که اولین نکته رعایت آداب ظاهری است که اعمال طهارت (وضو یا غسل)؛ تواضع در نشستن؛ رعایت سکوت و آرامش را در برمی‌گیرد. لذا باید توجه داشت که قرآن صرفاً یک نوشته و کتاب نیست؛ بلکه حی و زنده است و برخورد ما با آن باید پویا و شاداب باشد، بنابراین رعایت آداب ظاهری برخورد با قرآن در تعامل بانشاط با این کتاب نورانی بسیار مؤثر است.

وی در خصوص آداب قرائت، ادامه داد: دومین نکته ادب شروع و ختم دقیق است. امام سجاد(ع) می‌فرماید: هنگام خواندن قرآن، «الْحَالُ الْمُرْتَجِلُ» باشید؛ یعنی خواندن را از یک سوره قرآن شروع کرده و پس از خواندن سوره‌های دیگر به همان سوره ختم کنید. این شیوه خواندن به تعبیر عامیانه «دورکردن» قرآن است. همچنین، قراردادن مقدار مشخص برای قرائت در هر روز، سومین نکته است که در حدیثی از امام صادق(ع) توصیه شده است که در هر روز پنجاه آیه از قرآن قرائت شود. چهارمین نکته، رعایت شیوه و آهنگ قرائت است؛ البته قرآن بر «ترتیل» در قرائت تأکید دارد و خداوند در آیه ۴ سوره «مزل» فرموده است: «أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا؛ یا [مقداری] بر نصف بیفزای، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان و علاوه بر اینها پنجمین مورد، قرائت قرآن از روی مصحف است.

انصاری در خصوص تلاوت افزود: پس از قرائت قرآن، نوبت به تلاوت آن می‌رسد، تلاوت از ریشه «تَلَو» به معنای چسبیدگی و اتصال و پیوستگی است. تلاوت با قرائت تفاوت دارد زیرا به هر خواندنی قرائت می‌گویند؛ اما تلاوت به نوع خاصی از خواندن اطلاق می‌شود و به بیان دیگر، تلاوت اخص از قرائت است و به همین دلیل تأکید بیشتری بر آن می‌شود و خداوند در آیه ۱۲۱ سوره «بقره» فرموده است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ کسانی که

کتاب [آسمانی]؛ به آنان داده؛ ایم، [و] آن را چنان که باید می خوانند، ایشان اند که بدان ایمان می آورند و [اما] کسانی که بدان کفر می ورزند، پس همان ها زیانکاران اند.» بنابراین لازم به ذکر است که تلاوت خواندنی است که به دنبال آن و پیوسته با آن، حرکت در انسان ایجاد شده و احساس مسئولیت به وجود می آید.

این مفسر قرآن اظهار کرد: در رابطه با تلاوت قرآن نیز رعایت نکاتی لازم و ضروری است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم. اولین نکته «تعظیم مخاطب» است، یعنی وقتی که قرآن را باز می کنیم و پیش چشم خویش می گذاریم، بدانیم که این کلام، کلام چه کسی است و سخن چه کسی را می خوانیم. بنابراین باید بدانیم که در محضر چه کلامی نشسته ایم و چگونه باید ادب تعظیم مخاطب را به جا آوریم. دومین نکته «حضور قلب» است، گاه وقتی به نماز می ایستیم، مشکلات شخصی، اجتماعی و خانوادگی را به یاد می آوریم. چنین نمازی بر طبق فتوای فقیهان مُجْزِی و کافی است و نیاز به تکرار و قضا ندارد و تمام اجزای آن به درستی انجام شده است. اما حقیقت آن است که فقط در حد اسقاط تکلیف ثمر دارد. اگر کسی بخواهد که نماز معراج او باشد و اثر مطلوبی در او ایجاد کند، باید حضور قلب داشته و به معانی نماز توجه داشته باشد و ارتباط روحی و معنوی با نماز برقرار کند. نکته بعدی تلاش برای «فهم کلام الهی» و «درک معانی قرآن» است، زیرا تلاوت کننده قرآن باید بدانند کلامی که می خواند چه معنایی دارد و چه اثر و نتیجه ای در روح و جان او می گذارد.

وی در خصوص تدبیر، تصریح کرد: بعد از آنکه انسان از قرائت به تلاوت صعود کرد، نوبت به مقام تدبیر می رسد، خداوند در آیه ۳ سوره «ص»، فرموده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ کتاب مبارکی بر تو فرو فرستادیم تا در آیات آن ژرف بیندیشند و خردمندان متذکر شوند.» قاری قرآن در مقام تدبیر می خواهد که به حقایق درونی قرآن وارد شود و مطالب آن را بفهمد و لذت انس مفهومی و معنایی را با کلام خداوند دریابد.

انصاری ادامه داد: تدبیر از ریشه «دَبَّرَ» می آید و به معنای نگرستن و تأمل کردن در پایان چیزی است. این نوع نگرستن، مرتبه ای از ژرف نگری به محتوای یک سخن و پی بردن به اهداف و پیامدهای مطالب آن است. تدبیر در قرآن موجب می شود که انسان دریابد که قرآن او را به کجا می خواند و چه فردایی برای او ترسیم می کند، یا اینکه نظام فردی و اجتماعی که قرآن برای انسان می پسندد چیست و ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، انسان با خویش، انسان با انسان و انسان با طبیعت چگونه است.

صاحب تفسیر مشکاة گفت: تدبیری که قرآن مطرح می کند کار چشم و گوش و نظر به خطوط قرآن و شنیدن آوای قرائت آن نیست؛ بلکه کار قلب و روح آدمی است و دلیل روی گردانی عده ای از انسان ها از تدبیر در قرآن نیز مسدود بودن قلب آنها از فهم و درک است. خداوند در آیه ۲۴ سوره «محمد» فرموده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ رِجْلِ الْقُلُوبِ أَفْعَالُهَا؛ آیا در آیات قرآن ژرف نمی اندیشند؟ یا [مگر] بر دل هایشان قفل هایی نهاده شده است؟» بنابراین اگر دریچه های جان را به روی قرآن باز کنیم و مدبرانه به آن نظر بیفکنیم، حقایق والایی از آن دریافت می کنیم.

وی در خصوص «تحفظ» تشریح کرد: بعد از قرائت و تلاوت و تدبیر در قرآن، به بالاترین مرحله انس با قرآن یعنی «تحفظ» بر آن می رسیم. اهل معرفت آنگاه که به این مقام می رسند، حالت خوشی در وجودشان ایجاد می شود و به کمال انس دست می یابند. بنابراین «قرائت»، «تلاوت»، «تدبیر» و «تحفظ» راه های انس با قرآن هستند و می توانند راهگشای ورود انسان به سرزمین وحی الهی و سخن خداوندی باشد.